

به نام خدا

سلسله مطالب در خصوص تخلفات انتظامی وکلای دادگستری و کار آموزان وکالت (۴)

مقدمه و مطلب چهارم : عدم حضور در دادگاه در وقت مقرر بدون عذر موجه

مقدمه:

در مطالب قبلی متوجه شدیم ؛ مسائلی که بسیار پیش پا افتاده است ، و شاید به وسیله همکاران محترم به آنها توجه کافی نمی شود، همان مسائل باعث می گردد که خدای نکرده پای ما در دادرسی انتظامی کانون وکلا باز شود . همانگونه که از متن مقالات مشخص و مبرهن است قصد نگاه سختگیرانه به موضوعات است تا در بدترین شرایط همکاران گرامی و بنده حقیر بهترین راه حل را انتخاب نمائیم . از همکاران گرامی خواهشمندم در صورتی که مواردی مشابه در خصوص موضوعات عنوان شده در دست دارند در نقطه نظرات خود بیان نمایند تا همگی از آنها بهره بگیریم . ضمناً این مقالات فقط بر مبنای معلومات شخصی و بهره گیری از علم سایر همکاران وکالتی تنظیم شده و هرگز بعنوان نظرات دادرسی انتظامی کانون محسوب نمی گردد .

در نهایت امیدوارم با این قلم بسیار رنجور و با این سواد نازل ، مطلب را درست ادا نموده و بوظیفه خود درست عمل نموده باشم و همکاران محترم از متون ارائه شده استفاده نمایند .

عدم حضور در دادگاه در وقت مقرر بدون عذر موجه

در ابتدا موادی را که مرتبط با موضوع هستند اشاره می کنیم ، و سپس به ماهیت مواد و نظریات مشورتی و آراء وحدت رویه در خصوص مطلب مورد نظر می پردازیم ؛

ماده ۴۱ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی می گوید :

((وکلای مکلفند در هنگام محاکمه حضورداشته باشند مگر اینکه دارای عذر موجهی باشند .جهت زیر عذر موجه محسوب می شود:

۱- فوت یکی از بستگان نسبی یا سببی تا درجه اول از طبقه دوم .

۲- ابتلا به مرضی که مانع از حرکت بوده یا حرکت مضر تشخیص داده شود .

۳- حوادث قهری از قبیل سیل و زلزله که مانع از حضور وی در دادگاه شود .

۴- وقایع خارج از اختیار وکیل که مانع از حضور وی در دادگاه شود.

وکیل معذور موظف است عذر خود را به طور کتبی با دلائل آن برای جلسه محاکمه به دادگاه ارسال دارد . دادگاه در صورتی به آن ترتیب اثر می دهد که عذر او را موجه بداند ، در غیر اینصورت جریان محاکمه را ادامه داده و مراتب را به مرجع صلاحیتدار برای تعقیب انتظامی وکیل اطلاع خواهد داد. در صورتی که جلسه دادگاه به علت عذر وکیل تجدید شود ، دادگاه باید علت آن و وقت رسیدگی بعدی را به موکل اطلاع دهد . در این صورت ، جلسه بعدی دادگاه به علت عدم حضور وکیل تجدید نخواهد شد.))

ماده ۴۲ قانون مزبور نیز مقرر داشته: ((در صورتی که وکیل همزمان در دو یا چند دادگاه دعوت شود و جمع بین آنها ممکن نباشد، لازم است در دادگاهی که حضور او برابر قانون آئین دادرسی کیفری یا سایر قوانین الزامی باشد، حاضر شود و به دادگاههای دیگر لایحه بفرستد و یا در صورت داشتن حق توکیل، وکیل دیگری معرفی نماید.))

از مفاد مادتين مذکور الزامی بودن حضور وکیل در دادگاه استنباط می شود و عدم حضور در دادگاه توسط وکیل تخلف محسوب می شود که ضمانت اجرای آن در مواد ۷۸ و ۷۹ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء دادگستری مصوب ۱۳۳۴ و همچنین ماده ۲۷ از قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ پیش بینی شده است.

ماده ۲۷ قانون وکالت: وکلاء مکلفند در موقع محاکمه حاضر شوند مگر اینکه عذر موجهی از قبیل فوت یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم و یا ابتلا به مرضی که مانع از حرکت و یا اینکه حرکت جهت او مضر تشخیص شود و همچنین در موقعی که حوادث قهری از قبیل سیل و زلزله و غیره از حرکت آنها باشد داشته باشد. اطلاع وکیل به محکمه در باب عذری که برای عدم حضور او پیدا شده معتبر است مگر آنکه خلافش اثبات شود در این صورت وکیل به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم خواهد شد.

ماده ۷۸ آئین نامه - متخلف از هریک از موارد ذیل به مجازات انتظامی درجه سه محکوم خواهد شد:

۱- چنانچه به دویاچند محکمه دعوت شود و جمع بین اوقات مزبور ممکن نباشد، باید حضور در دیوان کیفر و دیوان جنائی را مقدم بدارد و در سایر محاکم در محکمه ای که وقت آن زودتر ابلاغ شده حاضر گردد.

ماده ۷۹ آئین نامه: متخلف از هریک از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه ۳ و یا ۴ محکوم خواهد شد:

بند ۴- در صورتی که بدون عذر موجه در دادگاه حاضر نشود و به واسطه عدم حضور او کار دادگاه به تاخیر افتد.

مواد ۲۸ و ۲۹ و ۳۶ از قانون وکالت نیز مطالبی در راستای موضوع مورد بحث دارد که به آنها نیز اشاره می شود:

ماده ۲۸: اصلاحی مورخ (۱۳۶۴/۴/۳) - در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه اعم از جنائی و غیر آن دعوت شود و جمع بین اوقات ممکن نباشد حضور در دیوان جنائی و دیوان کیفر را مقدم بدارد و به دادگاه دیگر لایحه بفرستد یا رد صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را به دادگاه اعزام بدارد.

در صورتی که وکیل در دو یا چند دادگاه غیر از دادگاه جنایی و دیوان کیفر دعوت شود و جمع بین اوقات ممکن نباشد در دادگاهی که حضور خود را لازم می داند حاضر می شود و به دادگاههای دیگر لایحه می فرستد یا در صورت داشتن حق توکیل وکیل دیگری را اعزام می دارد.

جلسه رسیدگی در هر حال از این جهت تجدید نخواهد شد مگر آنکه حضور وکیل در دادگاه ضروری باشد که در این صورت یا به دادگاه مذکور وکیل دیگری می فرستد و

یا اگر حق توکیل نداشته باشد نسخه ثانی اخطاریه دادگاه جنایی با دیوان کیفر را ضمن لایحه ای برای اعتذار از حضور تقدیم دادگاه می کند و در صورت اخیر فقط برای یک نوبت تجدید خواهد شد.

تبصره ۱- وکیل باید دادگاه جنائی را بر دیوان کیفر مقدم بدارد و در صورتی که در دو یا چند دادگاه جنائی یا دیوان کیفر دعوت شده باشد حضور وکیل در هریک از دادگاههای مذکور بر حسب تقدم تاریخ ابلاغ از طرف دادگاه خواهد بود.

تبصره ۲- عزل یا استعفا یا تعیین وکیل جدید باید در موقعی به عمل آید که موجب تجدید جلسه نشود. در صورت عدم رعایت این ترتیب استعفا و عزل و تعیین وکیل جدید برای این جلسه پذیرفته نمی شود و دادگاه به رسیدگی ادامه می دهد.

تبصره ۳- هرگاه جلسه دادگاه جنائی یا هر دادگاه جزائی دیگر که حضور وکیل متهم در آن ضرورت دارد به معاذیر قانونی وکیل تجدیدشود، رئیس دادگاه مکلف است بلافاصله وکیل انتخابی برای متهم تعیین کند و وقت دادرسی را به وکیل مذکور ابلاغ کند.

هرگاه در جلسه بعد وکیل قبلی یا وکیل دیگری که متهم انتخاب و معرفی کرده است در دادگاه حضور یابد و از متهم دفاع نماید دادرسی با حضور او ادامه خواهد یافت والا وکیل انتخابی دادگاه از متهم دفاع می کند و دادگاه حکم خواهد داد.

ماده ۲۹: از وکلائی که حق وکالت در توکیل دارند هیچ عذری برای عدم حضور در جلسه پذیرفته نمی شود.

هرگاه وکیلی در یک ساعت در دو محکمه دعوت شده باشد باید به یکی از دو محکمه که نسبت به دعوی مطروح در آنجا وکالت در توکیل دارد وکیل بفرستد و در دیگری خود حاضر شود.

ماده ۳۶: در صورتی که وکیل بخواهد از وکالت استعفا نماید باید قبلاً "طوری به موکل و محکمه اطلاع دهد که موکل بتواند وکیل دیگری در موقع برای خود معین و به محکمه معرفی کند.

توضیح: آنچه که در این باب مسلم است عدم حضور وکیل در جلسه رسیدگی جزء تخلفات انتظامی وکلاء محسوب و مجازات دارد اما مواردی که می توان بدان پرداخت ؛

۱- مطابق کدام یک از مواد قانونی با وکیل برخورد می گردد؟

۲- آیا می توان این موضوع را جزئی از تخلف از سوگند تلقی نمود؟ یا در باب عدم رعایت نظامات کانون تلقی کرد؟

۳- پس از عدم حضور وکیل در جلسه دادگاه آیا تعقیب انتظامی مطابق قانون آئین دادرسی مدنی الزامی است یا می توان در دادرسی کانون به این موضوع رسیدگی کرد؟

۴- ارائه لایحه به جای حضور در جلسه دادگاه چگونه خواهد بود؟

۱- اینکه این قسم از تخلف ارتكابی از سوی وکیل مشمول کدام یک از مقررات موضوعه می باشد بسیار حائز اهمیت و قابل بحث است چه آنکه توجهها" به پراکندگی قوانین مرتبط ، شفاف سازی ، تکلیف وکلای محترم در مواجهه با این نوع تخلفات را نیز روشن می نماید.

همانگونه که ملاحظه می شود عنصر قانونی در برخورد با این تخلف در مواد ۷۸ و ۷۹ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلاء دادگستری مصوب ۱۳۳۴ و همچنین ماده ۲۷ از قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ پیش بینی شده است . که برابر ماده ۲۷ از قانون وکالت تخلف عدم حضور در جلسه دادرسی بدون عذر موجه درجه چهار محسوب می

گردد. ولی برابر لایحه قانونی مجازات این نوع تخلف انتظامی درجه سه و یا چهار می باشد.

لهذا با تصویب لایحه قانونی علی الخصوص ماده ۲۴ از این قانون مصوب پنجم اسفند ۱۳۳۳ کمیسیونهای مشترک مجلسین آن قسمت از قانون وکالت که با مواد این قانون مغایرت داشته باشد نسخ می گردد. نتیجه اینکه نظر به اینکه لایحه قانونی و آئین نامه بالصراحه در خصوص تخلف عدم حضور بدون عذر موجه در جلسه دادرسی سخن به میان آورده اند بنابراین هرگونه مقررات مغایر از جمله آن بخش از قانون وکالت به لحاظ تعارض با لایحه قانونی از درجه اعتبار ساقط می گردد و ملاک عمل در برخورد با این نوع از تخلف مقررات مندرج در لایحه قانونی و آئین نامه ان می باشد. اما در باب اینکه در صورت ارتکاب چنین تخلفی از سوی وکیل کدامیک از مجازاتهای سه و یا چهار برای وکیل منظور خواهد شد بنظر می رسد موضوع به شدت و نوع عمل ارتكابی بستگی خواهد داشت فی المثل در شرایطی که حضور وکیل در محاکمه جنایی ضروریست ولی بی عذر موجه در آن حضور بهم نمی رساند توجهها" به اهمیت پرونده و شدت و ضعف تاثیر عدم حضور مجازات متناسب با آن در نظر گرفته خواهد شد.

۲- آیا می توان این موضوع را جزئی از تخلف از سوگند محسوب کرد و یا در با عدم رعایت نظامات کانون تلقی نمود؟

پاسخ به این سوال مستلزم تبیین وجوه افتراق و اشتراک این دو مقوله با یکدیگر است.

مبحث تخلف از سوگند واجد یک وصف کلی است و بطور عام توجهها" به مفاد سوگند نامه وکلا غالب تخلفات حادث از سوی وکلا را می توان در مقوله تخلف از سوگند گنجانده از طرفی به جهت حفظ شان و منزلت سوگند یاد شده از سوی وکیل و

قداست جایگاه وکیل تخلفی از قسم مستوجب مجازات سخت تری نسبت به سایر تخلفات است. بنابراین از آنجائیکه مطابق سوگند نامه وکلا موظف به حفظ و رعایت قانون و نظامات می باشند بنابراین عدم رعایت قانون و نظامات قانون نوعاً " تخلف از سوگند محسوب می گردد اما بر اساس اصول و قواعد بین الملل و با رعایت تفسیر مضیق و نیز اصل تفسیر قوانین و مجازاتها به نفع متهم و متخلف در اعمال مجازات وفق مبحث تخلف از سوگند بایستی محتاطانه برخورد نمود.

به همین علت است که به نظر می رسد بایستی رابطه میان تخلف از سوگند و عدم رعایت نظامات قانون را رابطه عموم و خصوص من وجه تلقی نمود.

و به نسبت تخلف حادثه و شدت و حدت آن و نیز آثار منبثه از آن پاره ای از عدم رعایت نظامات را تخلف از سوگند تلقی نمود و یا بالعکس.

در جهت تبیین هرچه بیشتر موضوع لازم دانستم یک مورد مصداقی از تخلف ارتكابی دائر برعدم حضور در جلسه رسیدگی را در این قسمت از مقاله ذکر نمایم .

در خصوص گزارش ریاست محترم شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی اردکان مبنی بر

عدم حضور خانم ...، وکیل دادگستری در جلسه رسیدگی مورخ ۸۵/۱۰/۶ دادگاه

مذکور، عدم حضور وکیل مشتکی عنها موجب تاخیر در رسیدگی و کار دادگاه

نگردیده است ولکن طبق ماده ۴۱ قانون آئین دادرسی مدنی، وکلای دادگستری

موظف به حضور در دادگاه می باشند مگر اینکه دارای عذر موجه باشند و ماده

استنادی دادرسی ناظر به موردی است که عدم حضور وکیل دادگستری در جلسه

رسیدگی، موجب تاخیر در رسیدگی و کار دادگاه شود و از طرف دیگر گواهی اعلام

بیماری ارائه شده، از سوی وکیل مشتکی عنها به دادگاه انتظامی در این مرحله، اثر

نداشته و ایشان موظف بودند که آنرا برای همان جلسه رسیدگی مورخ ۸۵/۱۰/۱۶ بدون عذر موجه و با رد ماده استنادی دادسرا و تطبیق عمل ایشان با ماده ۷۷ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری ناظر به ماده ۷۶ همان آئین نامه و رعایت یک درجه تخفیف به لحاظ فقد سابقه انتظامی ، خانم ...را به مجازات درجه ۱ یعنی اخطار کتبی محکوم می نماید.

۳- در عدم حضور وکیل در جلسه دادرسی آیا تعقیب انتظامی مطابق ق.ا.د.م الزامی است یا موضوع قابلیت رسیدگی در دادسرا را دارد؟

در اینخصوص بایستی اذعان داشت قانون آ.د.م عنصر قانونی کافی جهت احراز تخلف وکیل نخواهد بود چرا که وفق این قانون در صورت عدم حضور وکیل در جلسه دادرسی مراتب به دادرسی کانون اعلام و دادسرا نیز پس از جری تشریفات قانونی و استماع اظهارات وکیل در خصوص علت عدم حضور تصمیم قانونی را اتخاذ خواهد نمود که چنین حالتی با رعایت قوانین خاص مرتبط از جمله ماده ۲۷ قانون وکالت مجازات لازم تعیین خواهد شد لذا ماده ۴۱ ق.ا.د.م صرفاً در مقام اعلام جرم بوده و تعیین مجازات مربوط وفق قوانین خاص موضوعه صورت می پذیرد. و دادسرای انتظامی مطمئناً حق دارد نسبت به موضوع رسیدگی و سپس اتخاذ تصمیم نماید .

۴- ارائه لایحه به جای حضور در جلسه دادگاه چگونه خواهد بود؟

و اما در خصوص اینکه ارائه لایحه به جای حضور در جلسه دادگاه چگونه خواهد به نظر می رسد قانونگذار بالصراحه در اینخصوص تعیین تکلیف نموده منطوق مواد ۴۲ و ۴۴ و ۹۳ قانون ا.د.م تکلیف وکلای محترم را در مواجهه با این موضوع روشن نموده است و برابر مفاد آن ارائه لایحه در قبل از وقت و یا همزمان با آن را به منزله حضور وکیل در جلسه دادرسی تلقی نموده و از این حیث به لحاظ عدم تاخیر در وقت رسیدگی تخلفی متوجه وکیل نخواهد بود .

هرچند که به قول استاد بهمن کشاورز ((در هیچ وقت مرتکب این اشتباه نشوید برای اینکه خیالتان راحت باشد لایحه را چند روز قبل در دادگاه ثبت کنید این کاری عجیب و غلط است)).

اما به عقیده نگارنده در مواقعی که حضور وکیل در جلسه دادرسی الزامیست و وکیل دلیل موجهی جهت عدم حضور در جلسه رسیدگی ندارد مانند پرونده های جنایی به نحویکه حضور وکیل جهت ادای توضیحات لازم است طوریکه با ارائه لایحه پرونده معد برای تصمیم گیری نمی باشد در صورتیکه ارائه لایحه باعث تجدید و تاخیر رسیدگی شود بنظر می رسد موضوع قابلیت رسیدگی و بررسی در دادسرای کانون را خواهد داشت . مذاقه در ماده ۴۲ قانون آئین دادرسی مدنی این مهم را به اثبات می رساند در اینجا در جهت تنویر افکار همکاران معزز لازم می دانم مواردی چند از نظریات مشورتی و مصادیق عینی را ذکر نمایم.

ماده ۹۳ق.آ.د.م.در این زمینه بیان داشته:((اصحاب دعوا می توانند در جلسه دادرسی حضور یافته یا لایحه ارسال دارند:

هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رای وحدت رویه شماره ۳۹۷۶-
۱۳۳۵/۱۰/۲۵ که ذیلا" می آید:

مداخله وکیل رادردادرسی اعم از دخالت به وسیله حضور و یا تقدیم لایحه برای دادرسی میداند.((چون طبق شق ۴ ماده ۳ قانون اصلاح بعضی از مواد آئین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۲۸ یکی از مواردی که احکام صادره در امور جنحه در مرحله بدوی و پژوهشی غیر قابل اعتراض شناخته شده در صورتی است که دادرسی با دخالت وکیل متهم انجام گیرد و اعم است از این که دخالت به وسیله حضور و یا تقدیم لایحه برای دادرسی صورت گرفته باشد بنابراین رای شعبه نهم دیوان کشور صحیح به نظر می رسد.)) ماده ۴۴ق.آ.د.م نیز موید این ادعا است.

عبدالله سمایی

وکیل پایه یک دادگستری

دادیار دادرسی انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز